

نگرش نوین حقوق کیفری ایران درباره

استثنائات وارد بر اصل فقدان مسوولیت کیفری کودکان و نوجوانان

دکتر ناصر قاسمی^۱

چکیده

نگرش مطلق و همگون نسبت به تمامی کسانی که قواعد و هنجارهای حقوق کیفری و ضوابط مقرر در راستای حمایت از جان، مال، ناموس، عرض، حقوق و آزادی های مشروع اعضای جامعه را نقض می کنند از دایره عدالت و انصاف خارج است. به همین جهت که سن و مسوولیت کیفری مورد توجه نظام های مختلف حقوقی دنیا و با گذشت زمان حساسیت های بیشتری نسبت به پذیرش مسوولیت کیفری کودکان بوجود آمد. بنابراین، در کلیه نظام های حقوقی اصل فقدان مسوولیت جزایی اطفال مورد پذیرش قرار گرفت، هرچند این اصل نیز مانند بسیاری از اصول دیگر منتهی به استثنائاتی گردید. در حقوق کیفری ایران نیز موضوع بزهکاری اطفال و نوجوانان مورد توجه قانون گذار بوده و همواره اصل مذکور را درباره کودکان مورد پذیرش قرار داده است اما این اصل در فقه (که قوانین ایران نیز به نوعی بر گرفته از آن است) با استثنائاتی مواجه می شود. این مقاله با رویکردی تحلیلی و توصیفی با بررسی این استثنائات در فقه و قوانین موجود، و با توجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که تادیب کودک را همان تعزیر در معنای شرعی خود می دانست، رویکرد اتخاذی قانون گذار در سال ۱۳۹۲ را مورد ارزیابی قرار می دهد. آن چیزی که مسلم است تاسیسات قانون گذار در خصوص مسوولیت کیفری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۹۲ بی سابقه بوده و بعضاً رویکرد مشهور فقها را مورد پذیرش قرار نداده است.

واژگان کلیدی: کودکان، سن بلوغ، مسوولیت کیفری، اقدامات تامینی و تربیتی.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری و مدیر گروه حقوق جزا و جرم شناسی

مقدمه

آن چه که از بررسی متون گوناگون اعم از تاریخی، جامعه شناختی، حقوق و مانند آن حاصل می گردد آن است که انسان به منظور اعمال معاضدت و مساعدت نسبت به یکدیگر در بهره برداری بهینه از امکانات و مواهب موجود در طبیعت، مقابله مطلوب و مؤثر با بلایا و خطرات آشکار و پنهان در طبیعت و بهره مندی از هم زیستی مناسب نسبت به تشکیل اجتماعات اولیه اقدام کرده است. با گسترش جوامع و نقض هنجارهای تعیین شده در قلمرو حقوق کیفری در قالب ارتکاب جرایم مختلف از سوی اشخاص، تحمیل مجازات های شدید و سنگین به دلیل آشنایی صرف بشر آن روز با آن چه که امروز عرصه حقوق کیفری اختصاصی نامیده می شود؛ صورت پذیرفت. دورانی که می توان آن را عصر «فقدان اصول حقوق جزا» دانست؛ تعیین و به کارگیری انواع کیفرها بدون در نظر گرفتن شرایط سنی، جنسی، روحی، روانی، اجتماعی و... بزهکار مطرح بوده است. به این ترتیب منطقاً نمی توان در این برهه از تاریخ حقوق کیفری انتظار اعمال اصول حقوق کیفری مانند: اصل «شخصی بودن مجازات»، اصل «فردی کردن مجازات»، اصل «فقدان مسئولیت جزایی مجانین»، اصل «فقدان مسئولیت جزایی اطفال» و... را داشت. (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۸۶)

در آن گستره زمانی که قوانین و مقررات به صورت مدون وجود نداشت، برای دوام و استمرار حیات اجتماعی مقررات ویژه و در عین حال، سختی به مورد اجرا گذاشته می شد.

کسی که این معیارها و نظامات را زیر پا می گذارد و به عبارتی نظم اجتماعی موجود را نقض می کرد؛ نه تنها به شدت مجازات می شد و عفو یا رأفتی درباره او لحاظ نمی گردید بلکه خانواده و کسان وی اعم از والدین، فرزندان، همسر و ... نیز در یک واکنش انتقام گونه جمعی مورد مجازات قرار می گرفتند. به عنوان نمونه، معماری که به دلیل فقدان استحکام بنایی که ساخته است. تخریب گردیده و در نتیجه فرزند صاحب خانه کشته می شد، به موجب ماده ۲۲۹ قانون حمورابی فرزند وی به مجازات مرگ محکوم می گردید. شکنجه فرزندان نزد والدین برای قرار گرفتن از آنان کشتن فرزند کسی که بر اثر ایراد ضرب سبب مرگ فرزند یک بانوی باردار شده بود و... از جمله اقداماتی بود که به صورت متداول انجام می پذیرفته است.

متأثر از تعالیم رسولان و انبیاء الهی و رشد و توسعه زمینه های فکری و علمی در بشر و جوامع و مقررات حاکم بر آن ها نیز دستخوش تحولات و دگرگونی های تدریجی شدند و دوران فقدان اصول حقوق کیفری خود را به دوران «پذیرش اولیه و محدود اصول حقوق جزا» و سپس دوران «پذیرش و اجرای گسترده اصول حقوق جزا» که جوامع کنونی نیز در سیر و استمرار دوران اخیر قرار دارند، سپرد. براساس تحولات پدید آمده ابتدا پاره ای از اصول حقوق کیفری مانند اصل شخصی بودن مجازات مورد قبول و اجراء (البته به صورت محدود و متفاوت در جوامع مختلف) قرار گرفت. به علاوه اطفال در برخی مواقع از تخفیف مجازات و در مواردی از معافیت اعمال بعضی مجازات ها نظیر کیفر مرگ و سالب حیات برخوردار گردیدند تا آن جا که اصل «فقدان مسئولیت کیفری اطفال» به عنوان یکی از اصول مهم

حقوق کیفری وارد نظام های گوناگون حقوقی و سپس قوانین و مقررات داخلی کشورها (همراه با توجه حقوق بین الملل به آن) گردید (همو، ۱۳۸۹). موضوع نوشتار حاضر بررسی فقهی و حقوقی "اصل فقدان مسوولیت کیفری کودکان و نوجوانان" در فقه و قوانین موجود و همین طور بررسی رویکرد اتخاذی قانون گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در مقایسه با قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و نظریه مشهور فقهای شیعه می باشد. قانون گذار در سال ۱۳۹۲ به موجب ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی اقدامات تامینی و تربیتی را برای کودکان و نوجوانان زیر پانزده سال تعیین نموده است و با توجه به اطلاق ماده ۸۸ قانون مذکور کلیه کودکان و نوجوانان دختر و پسر را شامل می گردد. اما با توجه به این که دختران در سن نه سال قمری به سن بلوغ رسیده و دارای مسوولیت کیفری کامل هستند با این وجود قانون گذار به جای اعمال مجازات، اقدامات تامینی و تربیتی را جایگزین نموده است حال سوال اصلی این است که قانون گذار چه مبنایی را برای مسوولیت کیفری تعیین نموده است؟ آیا رسیدن به سن خاصی را مبنا قرار داده یا احراز ادراک و کمال عقل را در مسوولیت کیفری موثر دانسته است؟ آیا حذف مجازات های تعزیری در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ برای جرایم لواط و قذف و جایگزینی آن با اقدامات تامینی و تربیتی به معنای پذیرش مسوولیت مخفف نسبت به بزرگسالان بوده یا اصولاً کودکان را فاقد مسوول کیفری فرض کرده است؟ نکته بسیار مهم، در زمینه واژه شناسی این حوزه، یعنی تفاوت میان کودک و نوجوان و همین طور مسوولیت کیفری اطفال و نوجوانان نیاز به توضیح دارد. مسلماً تبیین این گونه نکات کلیدی، منجر به روشن شدن مرزهای بحث مورد نظر و سهولت درک و تشخیص مباحث دارای هم پوشانی می گردد.

تعاریف و مفاهیم نظری

قانون گذار به موجب ماده ۱۴۶ افراد نابالغ را فاقد مسوولیت کیفری دانسته است و در ماده ۱۴۷ همان قانون مبنا را سن بلوغ شرعی قرار داده است. و در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون ذکر شده قایل به مسوولیت تدریجی برای کودکان و نوجوانان گردیده و سن شمسی را مد نظر قرار داده است و ماده ۹۱ نیز اشاره به رشد جزایی برای بالغین کمتر از هجده سال دارد. آن چیزی که در این گفتار مورد بررسی و نقد قرار می گیرد بررسی مبانی مسوولیت کیفری بالغین بر مبنای سن بلوغ و رشد جزایی می باشد.

الف) سن و مسوولیت کیفری

برای بیان اهمیت تعیین سن کودکی دلایل گوناگونی ارائه شده است که مهمترین آنها تاثیر سن مجرم بر میزان نوع و شدت واکنش کیفری نسبت به اعمال ارتكابی است (محسنی، ۱۳۸۹). متون و اسناد مختلف حقوقی اعم از داخلی و بین المللی هر کدام سن خاصی را برای تعریف کودکی و تمایز آن از بزرگسالی تعیین نموده اند. یکی از مهم ترین

اسناد مزبور در گستره بین المللی، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ است. ماده یک کنوانسیون مذکور کودک را این گونه تعریف کرده است: ((از نظر پیمان نامه حاضر منظور از کودک هر انسان دارای سن کمتر از ۱۸ سال است، مگر این که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد)). آن چیزی که از این کنوانسیون برداشت می گردد این است که معیار ۱۸ سال سن را برای تمییز کودک از غیر کودک پذیرفته است در قوانین داخلی ایران به اختصار می توان گفت قانون گذار در این زمینه رویکرد واحدی اتخاذ نموده است به طوری که در قوانین پس از انقلاب اسلامی رویه های متعددی در قوانین کیفری و حتی مدنی اتخاذ شده است. اما آن چیزی که در تمام قوانین مشترک می باشد اشاره به "سن بلوغ" بوده است؛ به طوری که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که آخرین اراده قانون گذار در تعیین مسوولیت کیفری کودکان و نوجوانان می باشد با پیروی از سایر قوانین از جمله ماده ۲۱۰ قانون مدنی، "سن بلوغ" را مبنای مسوولیت کیفری قرار داده است و در ماده ۱۴۷ این قانون اشاره دارد: ((سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال قمری می باشد)). هرچند که قانون گذار سن بلوغ را مبنای مسوولیت کیفری قرار داده است، اما سن یکی از اماره های بلوغ است. چراکه این امکان وجود دارد که اشخاص در زمان ها و مکان ها و شرایط مختلف، در سنین متفاوتی بلوغ را تجربه کنند (زراعت، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸). روایات و منابع فقهی در مورد سن بلوغ اتفاق نظر ندارند و آنچه از روایات به دست می آید عبارت است از: ۱۵ سال برای پسر و نه سال برای دختر؛ ۱۳ سال برای پسر و نه سال برای دختر؛ ۱۳ سال برای پسر و دختر (عاملی، ص ۴۰۹) از این روی فقها بر سن واحدی برای بلوغ اتفاق نظر ندارند گروهی ۱۵ سال و ۹ سال را ملاک قرار داده اند (حلی، ص ۱۰۰)، گروهی نیز سن خاصی را ملاک نمی دانند (نجفی، ص ۴۰)؛ شافعیه سن ۱۵ سال و مالکیه سن ۱۷ سال و حنفیه سن ۱۸ سال برای پسر و ۱۷ سال برای دختر را سن بلوغ دانسته است (زراعت، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸).

۱- رابطه سن بلوغ و مسوولیت کیفری

به موجب مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ افراد نابالغ مسوولیت کیفری ندارند، و سن بلوغ نه سال قمری برای دختران و پانزده سال قمری برای پسران تعیین شده است.

۱.۲. مفهوم کودک و نوجوان

کودک، انسان نابالغ را گویند که هنوز به سن بلوغ نرسیده است، بلوغ در لغت به معنای رسیدن است (بابوکانی، عباس پور، ناصری، ۱۳۹۰). در قانون مجازات اسلامی برای اولین بار در نظام حقوقی ایران از واژه "نوجوانان" در کنار واژه "کودکان" سخن به میان آمده است ولی قانون گذار از این دو واژه تعریفی به میان نیاورده است. اما کودک نابالغی است که در ماده ۱۴۶ قانون مذکور قید گردیده است. مطابق این ماده «افراد نابالغ دارای مسوولیت کیفری نیستند» و مطابق ماده ۱۴۸ همان قانون «در مرود افراد نابالغ، بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تامینی و تربیتی اعمال خواهد شد». نوجوان

بالغی است که زیر هجده سال شمسی سن دارد. بنابراین مطابق ماده ۱۴۷ که سن بلوغ را تعیین کرده است، دخترانی که سن آنها بیش از نه سال قمری تا هجده سال شمسی و پسرانی که که سن آنها بیش از پانزده سال قمری تا هجده سال شمسی است، نوجوان محسوب می شوند. این اشخاص به دلیل داشتن شرایط عامه تکلیف (بلوغ، عقل و اختیار) در صورت ارتکاب جرم مجازات می شوند. لیکن قانون گذار مجازات هایی آن ها را نسبت به بزرگسالان که بیش از هجده سال شمسی سن دارند، متفاوت در نظر گرفته است. با توجه به این نکته قانون گذار در عنوان فصل از عبارت «مجازات ها و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» استفاده کرده است. به عبارتی در این عنوان از لف و نشر غیر مرتب استفاده شده است و مجازات ها در خصوص نوجوانان و اقدامات تامینی و تربیتی در خصوص اطفال اعمال می شود (مصدق، ۱۳۹۳، ص ۲۸۳).

۱.۳. مقایسه حقوق داخلی و خارجی

در همه نظام های حقوقی موضوع مسوولیت کیفری اطفال مورد پذیرش قرار گرفته است به طوری که تا قبل از رسیدن به سن خاص برخورد های متفاوتی با آنان نسبت به افراد بزرگسال صورت می گیرد. برای مثال در حقوق انگلستان، سن کامل مسوولیت کیفری هجده سال می باشد، کودکان زیر ده سال فاقد هرگونه مسوولیت کیفری هستند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲، ص ۳۰۶). این سن در حقوق آلمان چهارده سال است لذا کودکان بین ۱۰ و ۱۸ سال (۱۴ و ۱۸ سال در حقوق آلمان) به شرط اثبات عنصر مادی و روانی جرم، از لحاظ حقوق انگلستان، مسوولیت کامل کیفری دارند، لیکن نوع برخوردی که با آنان می شود با مجرمان بزرگسال متفاوت است و در برخورد با آنان بیشتر اقدامات تامینی و تربیتی اعمال می گردد (میرمحمد صادقی، ص ۳۰۶). در فرانسه طبق قانون ۱۲ ژوئن ۱۷۲۲ اطفال کمتر از ۱۴ سال در دارالتادیب نگهداری می شدند و در ایتا لیا طبق قانون ۱۸۸۹ اطفال تا ۹ سال غیر مسوول و مجازات اطفال از ۹ تا ۱۴ سال در صورت ثبوت عدم قوه تمیز، مشمول موارد مخففه بود. در مورد جوانان محکوم ۱۴ تا ۱۸ سال روش تربیتی اجرا و کیفر جوانان ۱۸ تا ۲۱ سال نیز گاهی خفیف تر از بزرگسالان مقرر می گردید (دانش، ۱۳۸۶، ص ۱۸). نظام های مذکور در موارد فوق نیز در فقه سابقه دارد حتی می توان آن را تاسیس شرعی دانست زیرا فقها، اطفال را به ممیز و غیر ممیز تقسیم کرده اند. سن شش سالگی یا نه سالگی، مرز تمیز و عدم تمیز محسوب می شود یعنی طفلی که کمتر از شش یا نه سال داشته باشد صغیر غیر ممیز است و فاقد مسوولیت کیفری می باشد، قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهدکار نیز سن شش سال را ملاک تمایز می دانست (زراعت، ۱۳۹۲، ص ۲۲۹). در حقوق ایران اصل عدم مسوولیت کیفری کودکان مورد پذیرش قرار گرفته است به طوری که به موجب ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی که بیان می کند: «افراد نا بالغ مسوولیت کیفری ندارند» حقوق ایران متأثر از فقه و قوانین سایر کشورهای غربی مانند انگلستان می باشد، هرچند که این اصل در پاره ای از موارد با استثنائاتی مواجه می گردد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

گفتار دوم: اصل فقدان مسئولیت جزایی اطفال

دین آسمانی اسلام و حقوق متأثر از آن نخستین و شایسته ترین گام را در جهت قبول و اجرای اصل فقدان مسئولیت کیفری اطفال (در کنار اصول متعدد دیگر) برداشته است و در ایامی که اطفال بدون داشتن کمترین جرم، گاهی مجازات شده و یا با داشتن اندک تقصیری کیفر سخت و نامتناسبی تحمل می کردند؛ به ارایه این اصل به جوامع بشری و نظام های حقوقی حاکم بر آن ها مبادرت ورزیده است و بدون تردید در بروز تحول حقوق کیفری در جهان نسبت به ایجاد نگرش نوین مربوط به این موضوع در قوانین و مقررات و پذیرش فقدان مسئولیت کیفری اشخاص نابالغ (در کنار سایر موضوعات) نقش به سزایی ایفا کرده است. مبنای قبول این اصل در شریعت و حقوق اسلامی آن است که اصولاً تحقق مسئولیت کیفری بر پایه وجود ادراک، تمییز و اختیار استوار است. این ویژگی ها پس از تولید در انسان وجود ندارد، اما به تدریج و در کنار رشد جسمی، قوای عقلی و دماغی وی نیز رشد می یابد. البته ادراک، حافظه، استدلال و... همواره همگام با رشد جسمی نیست و این رشد در اشخاص نیز به صورت یکسان بروز نمی کند؛ زیرا شرایط محیطی، آموزشی و مانند آن برای همه در یک سطح وجود ندارد و وجود اختلاف در این موارد تفاوت در رشد حاصله را پدید خواهد آورد. به موازات پیدایش تحول ذهنی و ادراکی در انسان، نگاه جامعه به او تغییر یافته و سطوح گوناگونی از مسئولیت و تکالیف را متوجه او می سازد و در عرصه حقوق کیفری به تدریج در تکمیل واکنش ها از گذشت، تربیت، تأدیب و مجازات مخفف و اندک تا مجازات کامل افزوده می گردد (قاسمی، ۱۳۸۹).

الف) قبول این اصل از منظر قرآن، روایات و منابع فقهی

۱- مجازات کودک در قرآن کریم

لفظ بلوغ در آیات قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است به عنوان مثال در آیه ۵ سوره نسا بدین نحو نازل گردیده «وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَكْلُوهَا إِسْرَافًا وَ بِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» یعنی یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و تمایل به نکاح پیدا کنند، آنگاه اگر آنها را دانا به درک مصالح زندگانی خود یافتید، اموالشان را به آنها باز پس دهید و به اسراف و عجله مال آنها را حیف و میل نکنید، بدین اندیشه که مبدا کبیر شوند و اموالشان را از شما بگیرند و هرکس از اولیا یتیم داراست بکلی از هر قسم تصرف در مال یتیم خودداری کند و هرکه فقیر است در مقابل نگهداری او از مال یتیم به قدر متعارف ارتزاق کند. پس آنگاه که یتیمان بالغ شدند، مالشان را رد کردید به آنها باید گواهی گیرید برای حکم ظاهر ولی در باطن، علم حق و گواهی خدا برای محاسبه خلق کافی است. همچنین خداوند تبارک و تعالی در آیه ۵۹ سوره نور می فرماید: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» و آن گاه که اطفال شما به حد بلوغ و

احتلام رسیدند باید مانند سایر بالغان با اجازه وارد شوند. خداوند آیات خود را به این روشنی بیان می کند که او (به صلاح بندگان) دانا و (در وضع تکلیف) محکم است. همان طور که ملاحظه می گردد قرآن از آیات مربوط به بلوغ سخن گفته است اما در هیچ یک از آیات جزایی قرآن کریم به مجازات کودک نپرداخته است. بنابراین عدالت کیفری کودکان با دیدگاه قرآنی اقتضای هیچ یک از مجازات های حد، قصاص و دیه را ندارد چرا که کودکان مکلف نبوده تا بخواهند مسوولیت کیفری داشته باشند (اسماعیل تبار، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶).

۲.۱.۲. مجازات کودک در منابع فقه

در کتب و ابواب فقهی مربوط و در رهگذر جرایم گوناگون اعم از مستوجب حد، قصاص و... همواره بلوغ یکی از شرایط تحقق مسوولیت کیفری و اعمال مجازات مقرر درباره مرتکب قلمداد شده است (قاسمی، ۱۳۸۹). به عنوان مثال درباره شرایط قاذف آمده است که باید کامل (به بلوغ و عقل) باشد. (و باعتبار فی القاذف) الذی یحد (الکمال) بالبلوغ و العقل (جبل عاملی ۱۷۵). هم چنین، در روایات متعدده وارده از معصومه (ع)، موضوع فقدان مسوولیت جزایی صغار مورد توجه قرار گرفته است که از آن جمله می توان به روایتی از وجود مقدس خاتم انبیاء حضرت محمد ابن عبدالله (ص) اشاره نمود در روایت فرموده اند: «رفع القلم عت الثلاثه: عن الصبی حتی یحتلم، عن النائم حتی یتیقظ و عن المجنون حتی یفقی». مجازات به موجب این روایت از سه کس برداشته است که یکی از آن ها فرد نابالغ است بنابراین، اطفال (جز در موارد خاص) مبری از مسوولیت کیفری بوده و به مجازات مقرر نمی رسند (قاسمی، ۱۳۸۹).

۲- قبول این اصل از منظر قوانین

از آن جا که اصولاً قوانین جزایی ایران، به ویژه پس از انقلاب اسلامی، متأثر از موازین فقهی و ادله اربعه خصوصاً آیات قرآن کریم و روایت معصومین (ع) می باشند؛ این اصل در قوانین ایران مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است. به موجب ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ (اصلاحی ۱۳۵۲) اطفال غیر ممیز (کمتر از دوازده سال سن) فاقد مسوولیت کیفری بودند و برای اطفال ممیز غیر بالغ نیز واکنش های ویژه در نظر گرفته شده بود. این طبقه بندی و شرایط مربوط به آن با تغییراتی در مواد ۳۳ تا ۳۵ قانون اصلاحی ۱۳۵۲، براساس قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه کار مصوب ۱۳۳۸، مورد توجه قرار گرفت. پس از بروز انقلاب اسلامی در ایران و پیدایش تحول اساسی در عرصه قوانین مقررات به ویژه در قلمرو جزایی، اصل فقدان مسوولیت جزایی اطفال با نگرش خاص در قوانین کیفری مطرح گردید. در ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و سپس در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به بیان این اصل مبادرت گردید. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اصل عدم مسوولیت کیفری کودکان با اندکی تغییر نسبت به

قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مورد توجه و پذیرش قرار داده است ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی بیان می کند: (افراد نابالغ مسوولیت کیفری ندارند)).

ب) استثنائات وارده بر این اصل

علی رغم آن که به موجب این اصل، باید اشخاص نابالغ را فاقد مسوولیت کیفری دانست و آنان را از تحمل مجازات معاف داشت؛ اما براساس موازین فقهی و روایات رسیده از معصومین علیهم السلام و در نتیجه قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، امکان اعمال برخی از مجازات ها درباره آنان وجود دارد که در این نوشتار به صورت کوتاه و تنها به پاره ای از این موارد اشاره شده و مورد بررسی موجز قرار خواهد گرفت.

۱- استثنائات وارده از مناظر فقه و روایات

به دلیل آن که بستگی و ارتباط کاملی میان مباحث فقهی و روایات (به عنوان یکی از ادله اربعه) وجود دارد و فقهای بزرگوار در بررسی ها و بیان دیدگاههای خویش (ضمن استفاده از سایر وسایل) به روایات استناد می نمایند و از آن ها بهره می جویند؛ موضوع استثنائات پذیرفته شده بر اصل فقدان مسوولیت جزای اطفال از دیدگاه فقهی و روایی نیز به نحو توأمان مورد ارزیابی قرار می گیرد. در منابع متعدد فقهی با استفاده از اخبار و احادیث معتبر و در ارتباط با پاره ای از جرایم به خصوص مواردی از جرایم مستوجب حد، کیفر تعزیر و در شرایط خاصی، مجازات حد برای اطفال و اشخاص نابالغ گرفته شده است که نمونه هایی از این موارد بیان می گردد.

درباره مجازات مرتکب بزه لواط آمده است که: «و لواط البالغ العاقل بالصبی موقباً قتل البالغ و أدب الصبی... و لواط الصبی أدباً معاً... و لواط الصبی بالبالغ حد البالغ و أدب الصبی.» (موسوی خمینی، ۱۴۰۳، ص ۴۲۴). چنان چه فرد بالغی با فرد نابالغی لواط کند فاعل بالغ و عاقل کشته می شود اما نابالغ تأدیب می گردد و هم چنین اگر نابالغی با نابالغ دیگر این عمل را انجام دهد هر دو تأدیب می گردند و اگر نابالغ با بالغی چنین کند؛ فرد بالغ محکوم به حد خواهد بود و نابالغ تأدیب می شود.

درباره کیفر کسی که مرتکب جرم قذف می گردد این گونه اظهار عقیده شده است که: «فالصبی لایحد بالقذب و یعزر» (حلی، ص ۲۲۰).

«يعتبر في القاذب البلوغ و العقل، فلو فذف الصبی لم یحد و أن قذف المسلم البالغ العاقل، نعم لو كان ممیزاً یؤثر فيه التأدیب أدب علی حسبی رأی الحاکم» (موسوی خمینی، ص ۴۲۷) هر چند مجازات مقرر درباره بزه قذف حد است، اما در صورتی که مرتکب این بزه صغیر و فرد نابالغ باشد به تددیب (تعزیر) محکوم خواهد بود. در مورد ارتکاب جرم قوادی از سوی شاخص نابالغ نیز نظر به تأدیب وی داده شده است و حد مقرر در فقه آمده است: «و یؤدب الصبی غیر

البالغ» (حلی، ۱۳۸۹، ص ۴۹۵) درباره بزه سرقت مستوجب حد و ارتکاب آن از سوی اشخاص نابالغ و اعمال واکنش های گوناگون اعم از عفو و نیز اشکال مختلف مجازات و حتی الامکان تحمیل کیفر حد در منابع معتبر فقهی و با لحاظ روایات، دیدگاههای قابل توجهی مطرح گردیده است که براساس آن ها و برخلاف اصل فقدان مسوولیت کیفری اطفال، مجازات تعزیر و حد با در نظر گرفتن شرایط خاص، پیش بینی شده است. در یکی از منابع چنین آمده است: «الاول - فی السارق و بشنط فی وجوب الحد علیه شروط. الأول: البلوغ: فلو سرق الطفل، لم یحد و یؤدب و لو تکررت سرقة، و فی النهایه ی یعنی عنه اولاً، فأن عاد أدب، فأن عاد حکت أنامله حتی تدمی، فأن عاد قطعت أنامله، فأن عاد قطع کما یقطع الرجل و بهذا روایات.» (حلی، ص ۹۵۲) در صورتی که طفلی برای مرتبه نخست مرتکب چنین سرقتی شود تأدیب (تعزیر) خواهد شد حتی اگر تکرار کند اما به قبولی که در بسیاری از منابع فقهی مانند تحریر الوسیله، الروضه ی البهیة ی، ایضاح الفواعد، تفصیل الشریعه ی و نیز در نهایه شیخ طوسی آمده است که اگر سرقت مزبور توسط نابالغ انجام شود در مرحله نخست مورد عفو قرار می گیرد، اما چنان چه تکرار کند به مجازات تحریر، خراشیدن سرانگشتان دست، قطع بند انگشتان دست و در مرحله پنجم قطع دست همانند بزرگسالان محکوم خواهد شد (قاسمی، ۱۳۸۹). البته در پاره ای از منابع این مراحل به گونه دیگری نیز بیان شده است که از ذکر آن خودداری شده است. (خویی، ۱۳۵۹، ص ۲۷۹) در روایتی از وجود مقدس امام صادق (ع) چنین آمده است: «عن ابی عبدالله علیه السلام فی الصبی یسرق قال یعنی عنه مره ی فأن عاد قطعت أنامله أو حکت حتی تدمی فأن عاد قطعت أصابعه فأن عاد قطع اسفل من ذالک.»

«یک بار مورد عفو قرار می گیرد اگر مجدداً سرقت کرد سرانگشتانش بریده یا ساییده می شود تا آن که خون بیاید باز اگر سرقت کرد انگشتانش قطع می شود و اگر مجدداً سرقت کرد پایین تر از آن قطع می شود.» (بروجردی، ۱۳۸۷)

روایات متعدد دیگری نیز در این باره وجود دارد که تنها به ذکر این روایت بسنده شده است.

۲- استثنائات وارده از منظر قوانین

صرف نظر از پذیرش اشکال مسوولیت در قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ با لحاظ قانون تشکیل دادگاه اطفال ۱۳۳۸، تبصره ۳ ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، مواد ۱۴۳ و ۱۴۴ (درباره لواط)، ماده ۱۸۷ (درباره قذف)، بند ۱ ماده ۲۱۳ (درباره سرقت مستوجب حد) از قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، استثنائات نیز مورد توجه قرار گرفته است. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ رویکرد قانون گذار با چرخشی قابل توجه از موضع قوانین گذشته بسیار فاصله گرفته است و همان طور که اشاره گردیده قانون گذار برای مسوولیت کیفری کودکان نا بالغ عنوان تعزیر، تأدیب را حذف و فقط اقدامات تامینی و تربیتی^۲ را در مورد

^۲ اقدامات تامینی و تربیتی از دستاوردهای جرم شناسی و راه حل های پیشنهادی مکتب تحقیقی ایتالیایی برای خنثی کردن ((حالت خطرناک))، مقابله با بزهکاران به عادت و پیشگیری از تکرار جرم است که از اواخر سده نوزدهم مورد

کودکان مورد پذیرش قرار داده است.^۳ به طوری که دامنه جرایم ارتكابی کودکان و نوجوانان را (برخلاف قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و فقه) محدود تر کرده و اقدامات تامینی و تربیتی را درباره اطفال و کودکان بزهکار ضابطه مند کرده است. در ذیل استثنائات وارد بر اصل فوق در خصوص کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد اشاره قرار می گیرد:

۱- جرایم مستوجب تعزیر

۱-۱- دوره فقدان مسوولیت کیفری

این دوره، از تولد طفل آغاز می شود و با فرارسیدن نه سالگی برای دختران و پسران پایان می یابد. در این دوره گفته می شود کودک توانایی درک افعال و اعمال خویش را و پیامدهای سوء آن را ندارد و از شمول مقررات کیفری حکماً خارج است (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۳). قانون گذار در سال ۱۳۹۲ بر آن بوده است که در مورد اطفال کمتر از نه سال هرگونه تصمیم قضایی را منتفی دانسته و تلاش کرده است به موجب پیمان نامه حقوق کودک هیچ اثری بر رفتارهای مجرمانه آنان مترتب نسازد. و آنچه که مسلم است این است که طفل در این دوره مسوولیت کیفری ندارد.

توجه نظام های کیفری جهان قرار گرفت. این اقدامات برای اولین بار توسط کارل استوس، استاد سویسی حقوق کیفری از طریق طرحی که وی در سال ۱۸۹۳ - ۱۸۹۲ برای قانون جزای سویس تهیه و ارائه کرده است. قانون گذاران سایر کشورها نیز در کنار شکل سنتی واکنش علیه جرم یعنی مجازات، بتدریج این مفهوم را پذیرفته و در قوانین خود پیش بینی کردند. بدین ترتیب، واکنش اجتماعی علیه جرم از نظر قانونی دارای دو شکل ((مجازات)) و ((اقدامات تامینی و تربیتی)) منفک گردید. در تعریف اقدامات تامینی و تربیتی آمده است: یک سلسله تدابیر پیشگیرانه ناشی از واکنش جامعه، برای جلوگیری از تکرار جرم از سوی مجرمین خطرناک، که بنا به حکم قانون از جانب دادگاه (رسیدگی کننده) انخاذ و درباره آنها اعمال می گردد (قاسمی، ۱۳۷۴، ص: ۱۳) بنابراین در این تعریف نخستین مطلبی که به ذهن می رسد این است که تدابیر اتخاذ شده فی الواقع اقدامی است علیه فرد مجرم که حالت خطرناک در او پیدا شده است نه تحمیل مجازات دیگر این که، عکس العمل جامعه در این حالت به منظور سرکوبی فرد نیست و مقصود جامعه حمایت از خویش و کنترل اوست تا دست به ارتكاب جرم و یا تکرار آن نزد (قاسمی، ص: ۱۳)

^۳ ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی اشعار می دارد: در مورد افراد نابالغ، بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تامینی و تربیتی اعمال می شود.

^۴ پیمان نامه حقوق کودک ۱۹۸۹ به تمامی کشورها توصیه نموده است که یک حداقل سنی که کمتر از آن نتوان کودکان را برخوردار از مسوولیت کیفری دانست را در قوانین داخلی خود بگنجانند.

۲-۱- دوره برخورداری از مسوولیت کیفری نسبی

این دوره، با رسیدن به سن بلوغ آغاز می شود و تا هیجده سالگی ادامه می یابد با این تفاوت که در جرایم تعزیری وضع نوجوانان بزهکار دختر و پسر یکسان تصور شده، ولی در جرایم موجب حد یا قصاص به دلیل اختلاف سن بلوغ، واکنش های شدید کیفری، طفل دختر نه سال تمام قمری را بیشتر تهدید می کند (اردبیلی، ص ۲۰۴). در این دوره که در محدوده سنی نه تا پانزده سال تمام می باشد. دختران به سن بلوغ رسیده و از نظر شرعی همان طور که در فوق نیز اشاره گردید دارای مسوولیت کامل کیفری می باشند زیرا آنها به بلوغ رسیده و با احراز سایر ارکان باید تحت مجازات همانند بزرگسالان قرار گیرند اما قانون گذار برای آنان مسوولیت مخفف در نظر گرفته و آنها را نیز مانند سایر نابالغین مشمول اقدامات تامینی و تربیتی دانسته است.

در صورت ارتکاب جرم به یکی از اقدامات تامینی و تربیتی مقرر در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی محکوم می شوند این اقدامات را می توان به دسته های زیر تقسیم بندی کرد:

۱- نصیحت قضایی، ۲- تسلیم به والدین یا سرپرست قانونی، ۳- تدابیر تربیتی - اصلاحی، ۴- تدابیر مراقبتی - نظارتی

اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال شمسی (در جرایم تعزیری)	
الف - تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان	اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی (ماده ۸۸ ق.م.ا)
ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر	
پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه	
ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم	
ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در جرایم تعزیری درجه یک تا پنج	اطفال و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال

۳.۲.۲. در جرایم مستوجب حد یا قصاص

در جرایم موجب حد یا قصاص بین دختران و پسران به شرح زیر تفکیک شده است:
در جرایم پسران

زیر دوازده سال قمری به یکی از اقدامات بندهای «الف» تا «پ» ماده ۸۸ که اشاره به اقدامات تامینی و تربیتی دارد محکوم می شوند.

پسران پانزده تا هجده سال تمام برابر ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

در جرایم دختران

دختران زیر نه سال به یکی از اقدامات بندهای «الف» تا «پ» ماده ۸۸ که اشاره به اقدامات تامینی و تربیتی دارد محکوم می شوند.

دختران نه تا هجده سال تمام برابر ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

نابالغ (در جرایم حدود و قصاص)	
الف- تسلیم به والدین یا به اولیاء و یاسرپرست قانونی	کمتر از ۱۲ سال
ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر	قمری (تبصره ۲ ماده ۸۸
پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه	ق.م.ا.)
ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم	۱۲ تا ۱۵ سال قمری
نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال	(تبصره ۲ ماده ۸۸ ق.م.ا.)

از بررسی کوتاه فقهی، روایی و قانونی این طور برداشت می شود که شریعت اسلام، حقوق جزا و قوانین متأثر از آن، جملگی استثنائات بر اصل مورد بحث را در مواردی که طفل اصولاً در قالب جرایمی که شرافت، حیثیت، عفت و اخلاق حسنه مربوط به خویش یا دیگری را خدشه دار می کند و در مواردی خاص، اموال دیگران را به صورت مکرر مورد ربایش قرار می دهد (البته در محدوده مباحث فقهی)، پذیرفته است ولی قانون گذار در سال ۱۳۹۲ کلیه جرایم تعزیری و حدی که توسط کودک و نوجوان ارتکاب می یابد را مشمول اقدامات تامینی و تربیتی دانسته است که دلیل اساسی پذیرش این استثنائات را می توان در ضرورت جلوگیری از توسعه و گسترش رفتارها و اقدامات ناصواب، به ویژه خلاف اخلاق از یک سو، و لزوم تربیت و انطباق مجدد اجتماعی اطفال و ایجاد زمینه برای ارایه نقش های سازنده و مطلوب در آتیه از سوی آنان و استقرار بهداشت جنایی در اجتماع از سوی دیگر دانست (قاسمی، ۱۳۸۹)

^۵ ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی اشعار می دارد: در جرایم موجب حد یا قصاص، هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال ماهیت جرم انجام شده را و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات های پیش بینی شده در این فصل محکوم می گردند.
تبصره- دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام و یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.

نتیجه گیری

براساس ارزیابی انجام شده می توان به دستاوردهای زیر استناد کرد :

۱- پذیرش اصل فقدان مسوولیت جزایی کودکان و نوجوانان نابالغ یکی از نتایج مثبت بروز تحول در قلمرو حقوق کیفری به شمار می رود. بدون تردید حقوق جزای اسلامی در میان نظام های گوناگون حقوقی در جهان، در قبول و اعمال این اصل، نقش اساسی ایفا کرده است. در عرصه های گوناگون حقوقی، پاره ای از اصول مربوط دارای استثنائاتی بوده که حقوق جزا نیز به دور از این مقوله نبوده است و برخی از اصول آن مانند اصل مورد بحث دارای استثنائی در لفافه فقهی و قانونی می باشد. که این استثنائات در قلمرو حدود و تعزیرات مورد توجه قرار گرفته است. در متون فقهی و روایی در موارد خاصی چون بزه سرقت مستوجب حد، کیفر مقرر با تغییراتی و نیز با طی مراحل و در شرایط ویژه برای اشخاص نابالغ نیز پذیرفته شده است. استثنائات پذیرفته شده بر اصل فقدان مسوولیت جزایی کودکان، در قوانین گذشته و فقه اصولاً مربوط به بروز رفتارهای مجرمانه خلاف عفت، حیثیت و شرافت انسانی و نیز اصول اخلاقی از سوی اطفال و اشخاص نابالغ می باشد. که این رویکرد مورد توجه قانون گذار در سال ۱۳۷۰ بوده است، ولی قانون گذار در سال ۱۳۹۲ مسوولیت کیفری کودکان و نوجوانان را صرفاً مشمول اقدامات تامینی و تربیتی دانسته است. و مجازات در خصوص کودکان و نوجوانان کمتر از پانزده سال در هر شرایطی اجرا نخواهد شد.

۲- قانون گذار در تدوین مقررات مربوط به کودکان و نوجوانان ابهاماتی را ایجاد کرده است از یک سو قایل به مسوولیت تدریجی برای کودکان و نوجوانان شده و سن شمسی را ملاک عمل دانسته است و از سوی دیگر سن بلوغ شرعی را مبنای مسوولیت کیفری بر شمرده است و از سوی دیگر دختران بالغ بالای نه سال را مشمول اقدامات تامینی و تربیتی دانسته است در حالی که آنان دارای مسوولیت کیفری به جهت بالغ بودن هستند بهتر بود که قانون گذار برای جلوگیری از این سردرگمی در قوانین سن مشخصی را به عنوان سن مسوولیت کیفری برای دختران و پسران بر شمرده و بر مبنای آن برای افراد کمتر از آن مجازات یا اقدامات تامینی و تربیتی وضع می گردید.

۳- به نظر می رسد قانون گذار سعی نموده به سن و بلوغ شرعی و از سوی دیگر رشد جزایی توامان نظر داشته باشد به طوری که در ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی سن بلوغ را مبنا قرار داده و از سوی دیگر در ماده ۹۱ قانون مذکور اشاره دارد که افراد بالغ کمتر از هجده سال چنانچه حرمت عمل خود را درک نکنند و یا در کمال عقل آنها شبهه وجود داشته باشد مجازات حد یا قصاص از آنان ساقط می شود.

۴- دختران بالغ بین نه تا هجده سال در صورت ارتکاب جرایم حدی یا مستوجب قصاص محکوم خواهند شد مگر این که در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد این موضوع برخلاف موازین عدالت و انصاف بوده و از سوی دیگر پذیرفتن این که دختری با نه سال قمری سن دارای مسوولیت کیفری کامل است در شرایط کنونی جامعه ما و با لحاظ رشد عقلانی نوع آنان دشوار است؛ دختر نه ساله هنوز از درک کامل مفهوم مسوولیت و پی بردن به پیامدهای عمل مجرمانه ناتوان است. حتی پسر پانزده ساله نیز گاه توانایی درک کامل پیامدهای جزایی عمل خویش را ندارد.

فهرست منابع

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۳، چ ۳۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳
- ۲- اسماعیل تبار، احمد، مقاله عدالت کیفری کودک در منابع فقه شیعه، مجموعه مقالات همایش ملی عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی، انتشارات دانشگاه علوم قضایی، ۱۳۸۹
- ۳- امام خمینی، سید روح الله الموسوی، تحریرالوسیله، جلد ۲، چاپ ۴، تهران، مکتبه ی الاعتماد ۱۴۰۳ ه ق؛
- ۴- بروجردی، سید حسین، «احادیث الشیعه»، جلد ۳۰ احمد اسماعیل تبار - سید احمد رضا حسینی - مهدی حسینیان، «منابع فقه شیعه»، چاپ ۱، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، بهار ۱۳۸۷؛
- ۵- دانش، تاج زمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، نشر میزان، ۱۳۸۶
- ۶- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین، «الروضه ی الهیه ی فی شرح اللمعه ی الدمشقیه ی»، جلد ۹، چاپ ۱، نجف اشرف، مطبعه ی الآداب، ۱۳۹۰ ه ق؛
- ۷- زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر میزان، ۱۳۹۲
- ۸- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی ۱ و ۲، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۲
- ۹- قاسمی، ناصر، مقاله استثنائات وارد بر اصل فقدان مسوولیت کیفری صغار، مجموعه مقالات همایش ملی عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی، انتشارات دانشگاه علوم قضایی، ۱۳۸۹
- ۱۰- قاسمی، ناصر، اقدامات تامینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، نشر میزان، ۱۳۷۴
- ۱۱- قاسمی ناصر، تقریرات درس جرم شناسی کارشناسی ارشد، ۱۳۹۱
- ۱۲- قاسمی، ناصر، تقریرات درس بزهکاری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۹
- ۱۳- عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، ۱۹ جلد، دار احیاء التراث العربی
- ۱۴- علی اکبری بابوکانی، عباس پور رضا، ناصری حسین، مقاله واکاوی مجازات های کودک از منظر فقه امامیه، پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۰
- ۱۵- محسنی، فرید، مقاله حمایت کیفری از حریم خصوصی کودکان و نوجوانان در فضای سایبر، مجموعه مقالات همایش ملی عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی، انتشارات دانشگاه علوم قضایی، ۱۳۸۹
- ۱۶- مطهر حلّی، ابی طالب محمد ابن الحسن بن یوسف، «ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد»، جلد ۴، چاپ ۱، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۸۹ ه ق؛

۱۷- میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲

۱۸- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله ی المنهاج، جلد ۱، چاپ ۱، نجف اشرف، مطبعه ی الآداب،

۱۳۵۴ ه ش؛

۱۹- مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲

۲۰- نجم الدین جعفر ابن الحسن الحللی، ابوالقاسم، «المختصر النافع»، جلد ۱، چاپ ۴، قم، موسسه مطبوعاتی

دینی، بی تا؛

۲۱- نجم الدین جعفر ابن الحسن الحللی، ابوالقاسم، شرایع الأسلام فی مسایل الحلال و الحرام، جلد ۴، چاپ

۳، قم، داری الهدی الطباعه ی و النشر، ۱۴۰۳ ه ق؛

۲۲- نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی الشرح شرایع الاسلام، کتابخانه اسلامی، ۱۴۰۴

